

واقعی‌شان را پیش از پیش برای توده‌های مردم آشکارا کنند. واقعیت این است که روح این کلمه انقلابی و مقدس قرآنی، چنان که روح تمامی مستضعفان و رنجبران جهان، از چنین تاویل و تفسیرهایی بیزار بوده و از دست این همه ستم و تحریفی که در حق فرهنگ اصیل توحیدی روا شده، به فریاد درمی‌آید. البته این تاویل و تفسیرهای نویسنده در باره‌ی واژه‌ی "مستضعفین" چیز عجیب و غریبی هم نیست؛ بلکه از عوارض همان دوآلیم معروف است که به شدت بر دیدگاههای او حاکم است و قبلاً هم با ابعاد دیگری از آن آشنا شدیم. ما در آینده مبانی طبقاتی این دوآلیم و جداسازی‌های اسکولاستیکی تحت عنوان "مادی" و "معنوی" را تشریح خواهیم کرد، و بخصوص نشان خواهیم داد که تئوری پردازی‌های نویسنده در این زمینه هیچ ربطی به آنها ندارد، بلکه اساساً بازتاب موقعیت طبقاتی اوست که با دراکات و برداشت وی در زمینه‌ی تبیین جامعه و تاریخ شکل داده و در رابطه با تفسیر واژه‌ی مستضعفین هم بدین شکل به منصه‌ی ظهور می‌رسد.

فوقاً با نظرات نویسنده

در زمینه‌ی مفهوم "مستضعف" از جنبه‌ی "معنوی" آن آشنا شدیم. در همین زمینه خوب است ببینیم ایشان وقتی از جنبه‌ی "مادی"، واژه‌ی "مستضعفین" را تفسیر می‌کنند و آن را به مسائل اجتماعی نیز تعمیم می‌دهند، به چه نتیجه‌گیری‌هایی می‌رسند. در صفحه‌ی ۱۸۲ کتاب "جامعه و تاریخ" چنین می‌خوانیم:

گذشته از اینها این تعبیر که می‌گوئیم اسلام جهت‌گیری‌اش به‌سود مستضعفین است، خالی از نوعی مجاز و ضامحه نیست. اسلام جهت‌گیری‌اش به‌سود عدالت و مساوات و برابری است.

یعنی خلاصه اگر هم‌گامی اوقات به خاطر رعایت برخی مصالح و مقتضیات روز، مجبور است روی واژه‌ی "مستضعفین" (که دارای یک مضمون و بار مشخص طبقاتی است) و سمت‌گیری اجتماعی اسلام به‌سود آنها، تاکید کند؛ اینها هم‌گامی اساساً "مجازی" و از روی "ضامحه" است، والا جهت‌گیری واقعی "اسلام" که او از آن سخن می‌گوید، نه به‌سود طبقات محروم و بالنده‌ی اجتماع، بلکه به‌سوی "عدالت و مساوات و برابری" و طبقات و تعارضات مبتنی بر

آن، می‌باشد. به این ترتیب وقتی هم که نویسنده می‌خواهد بر اساس معنی "مادی" واژه‌ی مستضعفین سمت‌گیری اجتماعی اسلام را توضیح دهد، به خرافه‌ی "فوق طبقات" می‌رسد. زیرا این خرافه، هم با مواضع طبقاتی نویسنده که بر عدم دفاع از طبقات محروم استوار می‌باشد، سازگار است و هم با دیدگاههای فکری ایشان که پیوسته از واقعیات گریزان بوده و درعالم "معنی" سیر می‌کند، کاملاً جور درمی‌آید.

البته توضیحا باید متذکر شویم که این خرافه کشف جدید نویسنده نیست، بلکه اساساً ساخته و پرداخته‌ی آن دسته از تئوریسین‌های بورژوازی غرب است که سعی می‌کرده‌اند در پوشش یک سری عناوین کلی بشردوستانه و شعارهای فریبنده‌ی چون تساوی تمام انسانها، عدالت ماورای طبقات و...، ماهیت طبقاتی تئورهای خود را مخفی نمایند. این خرافه بعداً به مذاق روشنفکران طبقه‌ی متوسط کشورهای اسلامی نیز بسیار خوش آمد و آنها هم سعی کردند بر مبنای تعاملات طبقاتی خود، اسلام را مبشر عدالت اجتماعی ماورای طبقات (و نه مدافع نفی استثمار

و طبقات) معرفی کنند و کتابهای زیادی هم در این زمینه نوشتند. در اینجا بد نیست نقطه نظرهای نویسنده را در دفاع از این خرافه مورد بررسی دقیقتری قرار دهیم.

وی در کتاب خود به کرات روی این مطلب تاکید کرده که اسلام را با طبقات اجتماعی و تضادهای طبقاتی کاری نیست. مخاطب اسلام "انسان و فطرت انسانی" و پیام آن "جامع و کلی" و جهت گیری اش به سوی "عدالت و مساوات و برابری و پاکی و معنویت و محبت و احسان و مبارزه با ظلم" است (صفحه ۱۸۰ جامعه و تاریخ).

سوالی که در اینجا مطرح می شود این است که این شعارهای "عدالت" و "مساوات" و "مبارزه با ظلم" و... از چه نوعی هستند و در کدام روابط و مناسبات اقتصادی - اجتماعی تجلی پیدا می کنند؟ مگر نه این است که در طول تاریخ بشری همی افراد و نظامها و مکاتب همین شعارها را می داده اند؟ نویسنده در کتاب دیگر خویش به نام "جهانبینی توحیدی" منظور خود را از مساوات و عدالت چنین بیان کرده است:

"... فرقی است میان

تبعیض و تفاوت، همچنانکه در خلاصه می شوند در این که نظام تکوینی جهان، تفاوت انسانها مثلا در برابر قانون هست. و این تفاوتهاست که به جهان زیبایی، تنوع پیشروی و تکامل بخشیده است، اما تبعیض نیست.

مدینه فاضله‌ی اسلامی، مدینه ضد تبعیض است نه ضد تفاوت. جامعه‌ی اسلامی جامعه‌ی مساوی‌ها و برادری‌ها است. اما نه تساوی منفی، بلکه تساوی مثبت. تساوی منفی یعنی به حساب نیاروردن امتیازات طبیعی افراد و سلب امتیازات اکتسابی آنها برای برقراری برابری، تساوی مثبت یعنی ایجاد امکانات مساوی برای عموم و تعلق مکتوبات هر فرد به خودش و سلب امتیازات

موهوم و ظالمانه." (صفحه ۶۹) در اینجا ما قصد بررسی ادراکات خرده بورژوازی نویسنده از مساوات و این که منظور وی از "تفاوت" و "تساوی مثبت" چیست و "تساوی منفی" چه مقوله‌ای است و... را نداریم. و آن را به قسمت مباحث اقتصادی این مقالات موکول می کنیم. منظور صرفا بیان این نکته است که چگونه وقتی نویسنده مفهوم عدالت و مساوات را عاری از هر گونه مبنا و اساس اقتصادی - اجتماعی می بیند، شعارهای مساوات طلبانه‌ی او حداکثر

گرایانه‌ی توحیدی، برابری واقعی جز از راه سخت گیری در جهت محو طبقات، امکان پذیر نیست. چرا که تا وقتی طبقات و تضادهای طبقاتی موجود باشد، هر چقدر هم شعار برابری و برادری داده شود و هر قدر هم که قوانین همه جانبه تدوین شوند، و افراد در مقابل آن مساوی اعلام گردند، باز هم برابری واقعی به دست نخواهد آمد. تمام هیاهوی ایدئولوگهای سرمایه داری و مبلغین رژیمهای متکی به طبقات استثمارگر در این مورد، به کلی بوج و عوامفریبانه است. زیرا شالوده‌ی نابرابری و ظلم اجتماعی، استثمار است، و لذا منهای سخت گیری به جانب نفسی

استثمار، این قبیل شعارها اساسا معنایی نمی‌تواند داشته باشد.

این شعار نیز که پیام اسلام "جامع و کلی" است می‌تواند از دو موضع متفاوت عنوان شود. بدیهی است که ما از یک موضع اصیل توحیدی، اسلام را به اعتبار این که بیان وحی و اساسا یک ایدئولوژی مطلق و به لحاظ خاسگاه منتزع از شرایط اجتماعی است، متضمن پویایی دائمی دانسه و آن را در همه ادوار تاریخی مدافع طبقات استثمار شونده و بالنده و متکی بر آنها تلقی می‌کنیم، و به این ترتیب برخلاف ایدئولوژی‌هایی که زائیده‌ی شرایط و اوضاع و احوال اقتصادی - اجتماعی خاص هستند (ولذا به نسبت همان شرایط و اوضاع و احوال معتبر می‌باشند)، ما برای اسلام یک پایداری و دینامیسم و جامعیت مطلق قائلیم و آن را از نفی شدن و کهنه شدن تاریخی به دور می‌دانیم. در چنین تلقی‌ای از "جامعیت" و کلی بودن پیام اسلام، مطلق در نسبی جستجو می‌شود و آرمانهای ایدئولوژیک در هر شرایط تاریخی با تکیه بر عنصر عینی - اجتماعی متناسب با آن، محقق می‌شوند.

اما کسانی نظیر نویسنده

از این شعار یک منظور فوق طبقاتی پندار گراپانه داشته و می‌خواهند با موضع گرفتن در پس عبارات و شعارهای کلی، الزامات مشخص اقتصادی اجتماعی اسلام و ضرورت اتکا بر بالنده‌ترین طبقه‌ی اجتماعی و موضعگیری به سود آن را منکر شوند. طرح شعارهایی مانند "پیام اسلام جامع و کلی و مخاطب آن انسان و فطرت انسانی است"، بدون تاکید روی بازتاب و عنصر عینی جامعه‌شناسانه‌ی آن در هر شرایط تاریخی، بیش از آن که مبین پایداری و جامعیت واقعی اسلام باشد، موعظه‌ها و شعارهای ایدئولوژیکهای بورژوازی تحت عنوان "ایدئولوژی فوق طبقه" و "ایدئولوژی تمام انسانها" و "عشق به انسانیت" و... را تداعی می‌کند.

در خاتمه بد نیست برای این که ببینیم نویسنده بالاخره بر اساس تاویلات و برداشتهایی که تاکنون در باره "مستضعفین" و آیات مربوط به آن به عمل آورده، بالاخره نقش و رسالت مستضعفین را در همان محدوده قوم بنی اسرائیل چگونه تفسیر می‌کند، عباراتی را از او نقل کنیم. در صفحه‌ی ۷۵ کتاب "پیرامون انقلاب اسلامی" روی "و نریدان من علی الذین استضعفوا..." را این طور معنی و تفسیر می‌کند: "... ما اراده کردیم که بر مستضعفان منت گذاریم. چگونه منت بگذاریم؟ در همان حالی که او (فرعون) به فساد در زمین مشغول بود، ما داشتیم مقدمات یک ایمان، یک مکتب و یک کتاب را فراهم می‌کردیم. زمینه برای این که موسی در خانه‌ی فرعون پرورش پیدا کند، کتاب تازه‌ای بیاورد و مردم گروندگان به این ایمان تازه بشوند، به مرور آماده می‌شد، آن وقت به مدد نیروی همین ایمان و مکتب و از این مجرا است که فرعون شکست می‌خورد و اراده‌ی ما تحقق می‌یابد... استدلال قرآن این است که ما منت گذاشتیم بر مستضعفان از این طریق که در بطن خانه‌ی فرعون، موسی را پرورش دهیم تا به رسالت مبعوث شود و با یک ایمان جدید، و یک مکتب تازه، بنی اسرائیل را به راه نجات و هدایت، راهنمایی کند." و باز در توضیح همین آیه در صفحه‌ی ۱۷۷ کتاب "جامعه و تاریخ" می‌نویسد: "اساسا نمی‌توان احتمال داد که آیه می‌خواهد بگوید بنی اسرائیل به دلیل این که مستضعف بودند به امامت و

استضعفوا... را این طور معنی و تفسیر می‌کند:

... ما اراده کردیم که بر مستضعفان منت گذاریم. چگونه منت بگذاریم؟ در همان حالی که او (فرعون) به فساد در زمین مشغول بود، ما داشتیم مقدمات یک ایمان، یک مکتب و یک کتاب را فراهم می‌کردیم. زمینه برای این که موسی در خانه‌ی فرعون پرورش پیدا کند، کتاب تازه‌ای بیاورد و مردم گروندگان به این ایمان تازه بشوند، به مرور آماده می‌شد، آن وقت به مدد نیروی همین ایمان و مکتب و از این مجرا است که فرعون شکست می‌خورد و اراده‌ی ما تحقق می‌یابد... استدلال قرآن این است که ما منت گذاشتیم بر مستضعفان از این طریق که در بطن خانه‌ی فرعون، موسی را پرورش دهیم تا به رسالت مبعوث شود و با یک ایمان جدید، و یک مکتب تازه، بنی اسرائیل را به راه نجات و هدایت، راهنمایی کند."

و باز در توضیح همین آیه در صفحه‌ی ۱۷۷ کتاب "جامعه و تاریخ" می‌نویسد:

اساسا نمی‌توان احتمال داد که آیه می‌خواهد بگوید بنی اسرائیل به دلیل این که مستضعف بودند به امامت و

وراثت می‌رسیدند، خواه موسی به عنوان پیامبر ظهور می‌کرد و خواه نمی‌کرد... ملاحظه می‌شود که نویسنده بر مبنای همان دیدگاهی که نقش عنصر عینی-اجتماعی را در تحول تاریخ و جامعه نادیده می‌گیرد، مساله را طوری مطرح کرده که از آن چنین استنباط می‌شود که گویا ظهور موسی در میان قوم بنی اسرائیل و آمدن تورات و... به تنهایی برای تحقق پیروزی و پیشوائی مستضعفین آن قوم کافی بوده است، و گویا این وعده‌ی پیروزی و پیشوائی اصلاً ربطی به خود مستضعفین و خصوصیات و استعدادهایی که آنها را به عنوان طبقات محروم و بالنده‌ی جامعه، واجد شایستگی برای احراز چنین مقامی می‌کند، ندارد. به عبارت دقیق‌تر گویا از نظر نویسنده شرط رهبری کننده‌ی ایدئولوژیک (در اینجا حضرت موسی و تورات) می‌تواند جای نقش عنصر عینی-طبقاتی را نیز در تحول جامعه پر کند، و لذا نویسنده پیروزی مستضعفین در آیه‌ی فوق صرفاً منقول بلافصل و بی‌قید و شرط فرستادن پیامبر و کتاب آسمانی و تعلیم و تربیت

دینی و تولید اعتقاد و توحیدی (صفحه ۱۷۷) در میان آنهاست (۱) که در این صورت اگر فی الواقع نویسنده چنین عقیده‌ای داشته باشد، بایستی به وی مزده داد که بعد از تمام این استدلالات، تازه رسیده‌اش به همان نظریه‌ای که ۳۰۰۰ سال پیش در همان جامعه‌ی بنی اسرائیل به وسیله‌ی عده‌ای مرتجع که نمی‌خواستند تن به مبارزه بدهند ابداع شده بود، و بر اساس آن می‌گفتند که نفس حضور موسی در میان ما برای پیروزی کافیت، و لذا وقتی حضرت موسی آنها را به یک نبرد انقلابی بر ضد جباران وقت دعوت می‌نمود، آنها به او پاسخ می‌دادند که: "خودت برو با خدایت علیه آنها (دشمن) بجنگید، ما همین جا می‌نشینیم و مبارزه نمی‌کنیم" (آیه‌ی ۲۴ سوره‌ی مائده: فاذهب انت و ربک فقاتلا انا ههنا قاعدون).

باقی ماجرای این گروه را نیز می‌توان از آیات ۲۰ تا ۲۶ سوره‌ی مائده مطالعه کرد و دید که در مقابل این انحراف و موضعگیری نادرست، چطور آنها به چهل سال سرگردانی و خواری دچار شدند. همان سرگردانی

و خواری‌ای که امروز نیز دامنگیر همه‌ی دارندگان چنین مواضعی خواهد شد. همچنانکه در جامعه‌ی خودمان این سرنوشت را می‌توان در مورد پیروان فکری نویسنده در شرایط حاضر مشاهده کرد. و دید که چگونه علیرغم آن همه ادعای کاذب در مورد برخورداری از موهبت اسلام و مکتب و... به علت اینکه توده‌ها و طبقات محروم جامعه را به چیزی نگرفته و آنها را از دخالت در امر تعیین سرنوشت خویش مانع شده‌اند، در میدان عمل و حرکت اجتماعی راه به جایی نبرده و در بن بست مواضع و خطوط سیاسی ارتجاعی خود همچنان درجا می‌زنند.

(ادامه دارد)

پاورقی:

۱ - بدیهی است که نقش تعیین کننده‌ی انبیاء در کل تاریخ و بخصوص در آن مقاطع کاملاً روشن است اما آنچه در اینجا می‌خواهیم تاکید کنیم تبیین ایده‌آلیستی نویسنده از تاریخ است که بر اساس آن تاثیر عامل رهبری کننده‌ی ایدئولوژیک را مطلق نموده و دیگر هیچ نقشی برای عینی جامعه قائل نیست.

۱ - بدیهی است که نقش تعیین کننده‌ی انبیاء در کل تاریخ و بخصوص در آن مقاطع کاملاً روشن است اما آنچه در اینجا می‌خواهیم تاکید کنیم تبیین ایده‌آلیستی نویسنده از تاریخ است که بر اساس آن تاثیر عامل رهبری کننده‌ی ایدئولوژیک را مطلق نموده و دیگر هیچ نقشی برای عینی جامعه قائل نیست.

۱- فلسفه شاعر	۲/۵۰ دلار	۳۲- چگونه قرآن بیا موزیم بودینا میزم	۲/۵۰ دلار
۲- زن در عصر رهائی	۱/۲۵	قرآن ۱ - ۲	۱/۲۵
۳- پرستوی از زیارت عاشورا	۱/۰۰	۳۳- اخلاق و انضباط انقلابی	۱/۰۰
۴- ارتجاع چیست؟ و مرتجع کیست؟	۱/۰۰	۳۴- دانشگاه و عملکردهای ارتجاع	۱/۵۰
۵- زندگینامه مجاهد شهید فاطمه امینی	۱/۰۰	۳۵- ملیتها و مسئله خلق کرد	۱/۰۰
۶- زمامداری گارتور	۲/۵۰	۳۶- مآثرهای پشت پرده گروگانگیری	۱/۲۵
۷- پراگماتیسیم	۰/۷۵	۳۷- ۱۵ خردا در نقطه عطف مبارزات قهرمانانه	۱/۰۰
۸- روش (فن) صحیح تفکر چگونه است؟	۰/۷۵	خلق ایران	۱/۰۰
۹- تحلیل بیانیه آ پورتونیسیتها ...	۲/۵۰	۳۸- تحلیل جنبش خلق قهرمان تبریز	۰/۷۵
۱۰- رهنمودهای دربارہ تعلیمات و ...	۰/۷۵	۳۹- رهنمودهای بی‌حوائان انقلابی شماره ۱	۱/۰۰
۱۱- تبیین جهان ۵ - ۱	۲/۰۰	۴۰- رهنمودهای بی‌حوائان انقلابی شماره ۲	۱/۰۰
۱۲- تبیین جهان ۱۰ - ۶	۲/۰۰	خودسازی از دیدگاه معاهدین	۱/۰۰
۱۳- تبیین جهان ۱۵ - ۱۱	۵/۰۰	۴۱- شرح مختصر زندگی انقلابی شهید از	۱/۰۰
۱۴- چگونه قرآن بیا موزیم جلد (۱)	۱/۰۰	ما زمان معاهدین خلق	۱/۰۰
۱۵- اوج شکوفائی معاهدین خلق با ...	۰/۷۵	۴۲- مدافعات معاهدین مهدیروائی (به	۱/۵۰
۱۶- تشریح فلسفی: عبیدقربان، نماز جمعه ...	۱/۲۵	انگلیسی)	۱/۵۰
۱۷- مردمگرائی توحیدی و مردمگرائی ...	۱/۰۰	۴۳- پاسخ به اتهامات رژیم (به زبان	۱/۰۰
۱۸- بررسی امکان انحراف مرکزیت	۱/۵۰	انگلیسی)	۱/۰۰
دیگراتیک		۴۴- مدافعات معاهدین علی سهندوست	۱/۰۰
۱۹- بیا معاهدین خلق بمناسبت آغاز		(انگلیسی)	۱/۰۰
شازدهمین سال تاسیس سازمان	۰/۷۵	۴۵- نشریه معاهد انگلیسی شماره (۶)	۱/۵۰
۲۰- مجموعه مقالات پیرامون جنگ	۰/۷۵	۴۶- صحیح کیست (انگلیسی)	۰/۲۵
ایران و عراق	۰/۷۵	۴۷- چگونه قرآن بیا موزیم (عربی) جلد (۱)	۰/۷۵
۲۱- شناخت و بررسی شیوه‌ها و قانون -	۲/۵۰	۴۸- بیانیه انتظارات مرحله‌ای از	۰/۷۵
مندبها و مبارزه ضد مهربالیستی		جمهوری اسلامی (عربی)	۰/۷۵
۲۲- آموزش و تشریح اطلاعات ... کتاب	۱/۵۰	۴۹- زندگینامه مجاهد شهید فاطمه امینی	۱/۰۰
شماره (۲)		(عربی)	
۲۳- پرسش و پاسخ ۱ - ۲ - ۳	۲/۰۰	۵۰- شرح تاسیس و تاریخچه سازمان معاهدین	۱/۵۰ دلار
۲۴- شیوه تحلیل سیاسی	۱/۰۰	خلق ایران از سال ۵۰ - ۴۴ (عربی)	۱/۵۰ دلار
۲۵- مجموعه گفتار پیدرظالقانی ۱ - ۲	۲/۰۰	۵۱- نشریه معاهد عربی شماره (۲)	۱/۰۰
۲۶- رهنمودهای دربارہ کارآبدشولوزی	۰/۲۵	۵۲- " " " " (۳)	۱/۰۰
۲۷- عاشورا فلسفه آزادی	۱/۲۵	۵۳- تحلیل جنبش خلق قهرمان تبریز (عربی)	۰/۷۵
۲۸- دربارہ جناح بندی و فبندی	۰/۷۵	۵۴- پوستر بمناسبت ۱۶ آذر	۱/۰۰
درون احزاب		۵۵- پوستر بمناسبت شازدهمین سالروز	۲/۰۰
۲۹- مسئله موجودیت سرمایه گنونی و	۰/۷۵	تاسیس سازمان	۲/۰۰
دلایل انجام و وحدت ما		۵۶- پوستر بمناسبت اول ماه می روز جهانی	۱/۵۰
۳۰- فلسفه امام زمان	۱/۰۰	کارگر	۱/۵۰
۳۱- بررسی مهمترین تحولات سیاسی از نیمه	۱/۵۰	۵۷- کارت پستال بیا دیدرظالقانی - ۸	۰/۵۰
خرداد ۵۷ تا نخست وزیر بختیار		سونه - هر یک	

www.KetabFarsi.com

تنظیم و تکثیر از:

انجمن دانشجویان مسلمان (امریکا)

M.S.S. (U.S.A.)
P.O. BOX 5475
LONG BEACH, CA 90805